

خشم رژیم صهیونیستی از برگزاری باشکوه روز جهانی قدس در جمهوری آذربایجان

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران

نہ‌سنده : حس، گل،
مقدمه :

همزمان با اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد و سخنرانی رئیس جمهور کشورمان در این اجلاس که اتفاقاً با روز جهانی قدس مقارن شده بود؛ سفیر رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان بعنوان میهمان ناخوانده مردم مسلمان جمهوری آذربایجان با چاپ مقاله ای در شماره 29 سپتامبر (8 مهر ماه) روزنامه 525 باکو، به انتقاد از سخنان دکتر احمدی نژاد در نشست فوق پرداخت و آنرا یادآور اظهارات سران رژیم فاشیستی آلمان نازی توصیف کرد. سفیر رژیم صهیونیستی در باکو همچنین مناسبات این رژیم با دولت جمهوری آذربایجان را استراتژیک عنوان نموده و طی مطالب تحریک آمیزی افزوده است: «آذربایجان و اسرائیل کشورهای کوچک واقع در مناطق سرشار از مشکلات هستند و اگر آن را به زبان دیپلماتیک ترجمه کنیم، چنین معنی می‌شود که هر دو کشور، همسایه‌های دیوانه دارند.» بی شک منظور آرتور لنگ از بکار بردن همسایه های دیوانه برای همگان مشخص و مبرهن است.

گرچه اینگونه اظهارات دولتمردان رژیم صهیونیستی مسبق به سابقه بوده ونگارنده براین اعتقاد است که این سخنان حتی ارزش پاسخگویی ندارند؛ لیکن از آنجایی که این اظهارات در کشوری مطرح گردیده است که دارای تاریخ و تمدن ایرانی اسلامی است؛ پاسخ به برخی سوالات در این خصوص خالی از فایده نخواهد بود؛ مهمترین سوالاتی که در این زمینه مطرح است اینکه چرا و با چه پیش زمینه هایی نماینده سیاسی رژیم اسرائیل در کشور همسایه و مسلمان نشین جمهوری آذربایجان به خود اجازه می دهد سخنانی به درواز عرف دیپلماتیک و توهین آمیز در خصوص کشورمان به کار برد؟ چرا دولتمردان آذربایجان که همیشه از دولت و مردم ایران انتظار کمک دارند به این سخنان عکس العمل نشان نمی دهند؟

در این نوشته سعی خواهد گردید با رعایت اختصار به سوالات فوق پاسخ داده شود. البته قبل از آن تاریخچه تشکیل رژیم صهیونیستی را مرور می کنیم تا نماینده سیاسی رژیم صهیونیستی و نیز اذهان عمومی مردم جمهوری آذربایجان متوجه این نکته باشند که شایسته و عقلانی نیست؛ رژیمی که تنها شصت سال قبل از این در سایه نیرنگ و کشتار مردم یک کشور برای خود تشکیلاتی درست کرده است با دولتی که بیش از 2500 سال سابقه تمدنی داشته و همه اعم از دوست و دشمن به اصالت و عظمت آن اعتراف دارند، وارد مجادله شود.

تاریخچه تشکیل اسرائیل:

در واپسین سالهای قرن نوزدهم اندیشه ناسیونالیستی بخش اعظم اروپا را تسخیر کرده بود. بعضی از یهودیان (صهیونیستها) نیز تحت تاثیر این اندیشه به این نتیجه رسیده بودند که اشتراک نژادی میان یهودیان می تواند سرمنشا ایجاد یک ملت گردد که در نتیجه آن می توانند حقوق ملی خود از جمله حق زندگی جداگانه و حق تاسیس یک دولت یهودی را به دست آورند. استدلال این دسته از یهودیان این بود که آنان نیز باید مانند ملت های دیگر اروپایی (مسیحیان) دارای دولتی مستقل باشند. در نتیجه این استدلال فکر تشکیل یک حکومت خود مختار در فلسطین که یهودی ها آن را به دلیل زندگی حضرت موسی و سلیمان (ع) سرزمین آبا و اجدادی خود می دانستند برای اولین بار در سال 1882 پا گرفت. صهیونیستها از این تاریخ تا شروع جنگ جهانی اول در کشاندن یهودیان به فلسطین و عملی نمودن خواسته های خود توفیق چندانی نیافتند لیکن جنگ جهانی اول به اتحاد میان امپریالیسم بریتانیا و صهیونیستها در سال 1917 منجر گردید. پس از آن صهیونیست ها بصورت گروه های کوچکی به فلسطین وارد می شدند و اهداف سیاسی، استعماری خود را در زیر پرده ی انگیزه های مذهبی یا انسانی مخفی می نمودند. در این هنگام اعراب فلسطینی می پنداشتند که این مهاجران زائرانی هستند که تمایلات مذهبی آنها را به «ارض مقدس» کشانده و یا پناهندگانی هستند که پس از تحمل زجر و شکنجه از اروپای شرقی رانده شده اند و در جستجوی پناهگاهی در فلسطین هستند. نتیجه این شد که اعراب فلسطین از این گروه ها صمیمانه و برادرانه استقبال کنند و صهیونیست های پولدار زمین های فلسطینیان را به چند برابر قیمت از آنها می خریدند. نظام قیمومیت انگلستان بر فلسطین رسماً در سال 1920 در کنفرانس سان رمو در ایتالیا وضع شد و شورای جامعه ملل در سال 1922 آن را به رسمیت شناخت. اما سلطه انگلیس بر فلسطین از سال 1918 با ورود نیروهای انگلیس به این سرزمین آغاز شده بود. از این رو تاریخ قیمومیت انگلستان بر فلسطین، سه دهه را در بر می گیرد که از تاریک ترین دوران تاریخ فلسطین به شمار می آید. طی این دوران که از سال 1918 تا سال 1948 یعنی هنگام اعلام موجودیت کیان غاصبانه صهیونیستی به طول انجامید، تمامی ساختارهای سیاسی اجتماعی و اقتصادی فلسطین تخریب شد. جنبش صهیونیسم طی این سه دهه با یاری انگلیس، پایگاه های متعددی در فلسطین ایجاد کرد و با تأسیس آژانس مهاجرت یهود و روانه کردن سیل مهاجران یهودی به فلسطین، به تدریج زمینه تغییر ساختار جمعیتی در فلسطین و کوچ اجباری مردم فلسطین را از وطن شان ایجاد کرد. انگلیس در تاریخ 2 نوامبر 1917 با صدور "اعلامیه بالفور" خط مشی سیاسی خود را بطور رسمی روشن ساخت. لوید جورج نخست وزیر وقت انگلستان پس از صدور این اعلامیه و وعده انگلیس به یهودیان برای تشکیل دولت یهود در فلسطین گفت که یهودیان باید در فلسطین به اکثریت برسند تا بتوانند جامعه مشترک المنافع صهیونیسم را تشکیل دهند. در این باره آژانس یهود با کمک دولت های وقت بریتانیا یهودیان جهان را به مهاجرت به فلسطین تشویق می کرد تا جمعیت یهودی فلسطین را به منظور کشور سازی جعلی، به اکثریت برساند.

در 9 دسامبر 1917 بیت المقدس (اورشلیم) توسط انگلیس اشغال شد و از همان زمان مقاومت فلسطین در برابر اشغالگری صهیونیستها شروع شد. در طی 30 سال قیمومیت انگلیس، جماعت مستعمره نشین های صهیونیست 12 برابر جمعیتی شدند که در 1917 در فلسطین بودند. این جماعت با حمایت و عنایت بریتانیا موسسات مخصوص خود را بسط داده سازمان نظامی کاملی فراهم آورد.

بعد از پایان جنگ جهانی دوم؛ در سال 1947 انگلستان اعلام کرد سال بعد، از فلسطینیبرون خواهد رفت و اداره آن را به سازمان ملل خواهد سپرد. در تاریخ 29 نوامبر 1947 مجمع عمومی سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ای فلسطین را به سه قسمت کرد. 43 درصد آن را در اختیار عربها و 56 درصد آن را در اختیار یهودیان قرار داد. بیت المقدس نیز بین المللی اعلام گردید. زمانی که قیمومت بریتانیا بر فلسطین در 15 مه 1948 به پایان رسید در واقع تمامینهادهای سیاسی فلسطینی از بین رفته بود و هیچ سازمانی برای پر کردن خلاء موجود، وجود نداشت. صهیونیستها که بر نواحی کشور یهود در قطعنامه تقسیم مسلط بودند یکشورای موقت حکومتی مرکب از 38 عضو تأسیس کردند که به نوبه خود یک کابینه 13 نفره را انتخاب کرد. همان روز «دیوید بن گوریون» که بعداً مقام نخست وزیری و وزارت دفاع را به عهده گرفت، تشکیل دولت را اعلام کرد بلافاصله بعد از این اعلام، دولت های ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی، اسرائیل را به رسمیت شناختند. رژیم صهیونیستی از آن روز تا به حال صرفاً در نتیجه کشتارهایی از قبیل کشتار دیر یاسینا، کربیت در سال 1953، عکادر سال 1956، عفر قاسم در سال 1962، غزه و خان یونسو... در سالهای اخیر توانسته است به حیات سیاه خود ادامه دهد. لازم به ذکر است صهیونیستها که از مدت ها قبل آرزوی تشکیل دولت مستقل را در سر می پروراندند دنبال بهانه ای بودند تا بتوانند در اذهان عمومی ملتها و دولتها تحقق آرزوی دیرینه خود

را ضروری جلوه دهند؛ اینان پس از جنگ جهانی دوم ادعا نمودند که چون دولتی نبوده است تا از حقوق یهودیان دفاع نماید حدود شش میلیون یهودی در خلال سالهای 1941 تا 1945 در اردوگاههای مرگ آلمان نازی به طرز فجیعی به قتل رسیده اند. صهیونیستها با بهره برداری تبلیغاتی از این موضوع (هو لو کاست) توانستند در سال 1948 آرزوی خود مبنی بر تاسیس دولت مستقل را تحقق بخشند که البته از آن زمان تاکنون هیچ وقت نتوانسته اند در سایه دولت خودساخته احساس آرامش نمایند. در ۱۹۴۸؛ فاجعه روستای کفر قاسم در ۱۹۵۶؛

سوالاتی که در اینجا مطرح می شود اینکه نماینده سیاسی رژیم می باشد که بیش از 60 سال از تاسیس غاصبانه آن نمی گذرد چگونه به خود اجازه می دهد در کشوری که در گذشته نچندان دور جزء قلمرو سیاسی و فرهنگی ایران بوده است با کمال وقاحت و با تعابیر توهین آمیز و بدور از عرف دیپلماتیک و البته در شان و لیاقت دولتمردان رژیم صهیونیستی در خصوص کشور ایران اعلام نظر نماید؟!

دلایل عصبانیت رژیم صهیونیستی از ایران

در حال حاضر مردم مسلمان فلسطین با مقاومت در مقابل اشغالگران سرزمین خود همه آرمانهای آنها را نقش بر آب نموده اند؛ حزب ا... لبنان در جریان جنگ سی و سه روزه ابهت پو شالین ارتش به ظاهر قدرتمند اسرائیل را شکسته است؛ نفرت عمومی مسلمانان و حتی اکثر مردم جهان از رژیم تروریستی اسرائیل در نتیجه اقدامات غیر انسانی این رژیم به اوج خود رسیده است؛ اوضاع سیاسی، اقتصادی و نظامی این رژیم، دولتمردان آن را به واهمه انداخته است؛ مهاجرت یهودیان به اسرائیل نه تنها متوقف شده بلکه حالت معکوس به خود گرفته است؛ یاس و ناامیدی در میان سربازان ارتش اسرائیل شیوع یافته و آمار خودکشی هر روز افزایش می یابد.

واقعیت اینست دولتمردان اسرائیل که پس از جنگ سی و سه روزه لبنان با سردرگمی عجیبی مواجه شده اند سر منشا همه شکستها و ناکامیها؛ مشکلات داخلی خود را پیروزی انقلاب اسلامی ایران می دانند. چرا که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1357 ش / 1979م؛ اسلام وارد صحنه مبارزاتی مردم فلسطین شد. هر چند که فلسطینیان پیش از انقلاب ایران مسلمان بودند اما عاملی که آنها را به هم پیوند می داد «عربیت» بود و اسلام در درجه دوم قرار داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اسلام عاملی موثر و قوی برای اتحاد و پیروزی مبارزان مسلمان فلسطین شد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به جای دولتی که بزرگترین حامی اسرائیل در منطقه بود حکومتی بر سرکار آمده است که همه سیاستهای رژیم اسرائیل و حامیان آن را با چالش جدی مواجه نموده است. امروزه همه ملت‌های مسلمان و حتی غیر مسلمان جهان با الهام گیری از انقلاب اسلامی مردم ایران در قبال سیاستهای غیر اخلاقی و غیر انسانی اسرائیل موضع گیری می نمایند که نموده از آن را می توان در روز جهانی قدس مشاهده نمود. امروزه آنچه بیش از هر موضوع دیگری خشم صهیونیستها نسبت به مردم و دولت ایران را سبب شده است؛ تحقیقات و مطالعات اندیشمندان مختلفی است که پیرامون مساله هلو کاست صورت می گیرد؛ سیاستهای دولتمردان ایران به ویژه رئیس جمهوری اسلامی ایران سبب گردیده است ترس و واهمه ای که مورخان و اندیشمندان کشورهای مختلف در خصوص تحقیق در مورد هلو کاست داشتند از بین برود و این موضوعی است که خشم صهیونیستها را سبب گردیده است چرا که صهیونیستها اساس دولت خود را بر مبنای موضوعی اثبات نشده به نام هلو کاست بنیان گذاشته اند و آنچنان از برملا شدن حقیقت در این خصوص واهمه دارند که در اول نوامبر سال ۲۰۰۵، قطعنامه ممنوعیت انکار هولوکاست را با کمک آمریکا به تصویب رساندند.

موضوع دیگری که خشم صهیونیستها را سبب گردیده است دیدار رئیس جمهور اسلامی ایران با جمعی از علمای یهود در آمریکا می باشد که در این دیدار علمای یهود بیزاری خود از سیاستهای صهیونیستها را آشکارا اعلام نمودند که این موضوع تفکیک یهودیت به عنوان یک دین الهی با مرام صهیونیستها را به وضوح نمایان می سازد. همه آنچه گفته شد در کنار سایر سیاستهای اصولی کشور ایران موجب گردید که سران رژیم صهیونیستی پس از برگزاری مجمع عمومی اخیر سازمان ملل به سفیران خود در برخی کشورهای اسلامی ماموریت دهند تا با ایجاد فضای غبارآلود رسانه ای، تهمت پراکنی و تحریف سخنان رئیس جمهوری ایران از رسیدن پیام و دیدگاه های جمهوری اسلامی ایران برای حل معضلات جهانی به ملت های جهان جلوگیری کنند.

اظهارات سفیر اسرائیل در جمهوری آذربایجان

سران اسرائیل در ادامه عملیات روانی خود علیه ایران به نماینده سیاسی این رژیم در جمهوری آذربایجان ماموریت دادند تا با درج مقاله و انجام مصاحبه، تلاش نماید از تبعات شکننده سخنرانی رئیس جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قبال حیثیت بر باد رفته رژیم صهیونیستی در افکار عمومی ملت مسلمان آذربایجان بکاهد. تقارن زمانی برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد با روز جهانی قدس که طی آن مردم مسلمان جمهوری آذربایجان تنها سه روز قبل از انتشار مقاله سفیر اسرائیل؛ با شرکت در مراسم روز جهانی قدس و به آتش کشیدن پرچم این رژیم و همچنین با برگزاری کنفرانسها و همایشهای مختلف؛ خشم و انزجار خود از اسرائیل را اعلام نموده بودند موجب گردید سفیر رژیم اسرائیل تلاش نماید با انتشار مقاله ای سراسر توهین و افترا ضمن تحت الشعاع قرار دادن حضور پر رنگ مردم آذربایجان در مراسم روز جهانی قدس؛ خواسته روسای خود را نیز اجابت نماید. که البته پیوندهای تاریخی دو ملت ایران و آذربایجان آن چنان محکم است که با این اظهارات و ترفندها خلی بر خود نمی بیند. مواضع نماینده سیاسی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان علاوه بر اهداف کوتاه مدت فوق؛ در ادامه تلاشهای چندین ساله این رژیم برای مخدوش نمودن روابط ایران و آذربایجان نیز قابل ارزیابی است؛ اسرائیل با توجه به وابستگی های تاریخی و فرهنگی آذربایجان به ایران نگاهی استراتژیک به توسعه حوزه نفوذ خود در جمهوری آذربایجان داشته و این امر را با برنامه ای دقیق و فارغ از تبلیغات در حال پیشبرد دارد که نتیجه آن روند فزاینده گسترش حضور رژیم صهیونیستی در گستره های اجتماعی اقتصادی تجاری سیاسی و امنیتی آذربایجان می باشد.

آنچه بدیهی به نظر می رسد اینکه رژیم صهیونیستی به خوبی با هویت تاریخی مردم مسلمان جمهوری آذربایجان آشناست و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به این حقیقت پی برده است که چنانچه روزی مردم مسلمان آذربایجان که پس از جدایی از ایران در نتیجه سیاستهای ضد دینی دولتهای روس تزار و کمونیستها و نیز حکومت غربگرای پس از استقلال با هویت تاریخی خود فاصله گرفته اند؛ بتوانند هویت اصیل ایرانی اسلامی خود را احیا نمایند تمامی منافع اسرائیل در جمهوری آذربایجان با چالش اساسی مواجه خواهد شد؛ از این رو ست که همزمان با گسترش روابط همه جانبه خود با دولت آذربایجان تلاش می نمایند روابط ایران و آذربایجان را مخدوش نماید که همانطور که توضیح داده شد اظهارات اخیر نماینده سیاسی این رژیم مبنی بر همسایگی آذربایجان و اسرائیل با کشورهای دیوانه در همین راستا قابل امعان نظر می باشد.

موضوعی که در این میان موجب تاسف و تعجب است همراهی دولت آذربایجان با رژیم صهیونیستی است. دولتمردان آذری گرچه از عمق نفرت مردم خود نسبت به اسرائیل آگاهی دارند لیکن در مناسبتهای گوناگون وفاداری خود به این رژیم را ثابت نموده اند. پیامهای تبریک الهام علی اف به سران رژیم صهیونیستی؛ تلاش نافرجام دولت آذربایجان برای تاسیس پارک دوستی اسرائیل در آذربایجان؛ ممانعت از برگزاری آزادانه مراسم روز جهانی قدس در خیابانهای ی باکو؛ تلاش برای گسترش روابط اقتصادی بین باکو و تلاویو و نیز قرار گرفتن اسرائیل در مقام نخست شرکای خارجی جمهوری آذربایجان در نیمه اول سال جاری؛ گسترش روز افزون شرکتهای صهیونیستی در آذربایجان؛ افزایش بهره برداری اسرائیل از منابع انرژی آذربایجان؛ فروش گسترده تجهیزات نظامی اسرائیل به آذربایجان و... همگی نشانه هایی از همراهی دولت باکو با رژیم صهیونیستی است؛ در سایه همین همراهی است که سفیر رژیم صهیونیستی در اسرائیل به خود اجازه می دهد در کشوری که بیش از 93 درصد جمعیت آن را مسلمانان و بیش از 80 درصد آنان را شیعیان تشکیل می دهد؛ بزرگترین کشور شیعی دنیا را مورد اهانت قرار دهد که در قبال این مهم دولت آذربایجان موضع سکوت را انتخاب می نماید که به معنای حمایت تلویحی از سخنان فوق می باشد.

در این شرایط دستگاه دیپلماسی کشور وظیفه دارد با اتخاذ سیاستی اصولی ضمن هوشیاری در قبال عملیات روانی اسرائیل در جمهوری آذربایجان که با هدف تحت تاثیر قرار دادن

روابط همه جانبه دو کشور ایران و آذربایجان صورت می گیرد؛ با استفاده از پتانسیلها بالقوه و بالفعل در عرصه روابط با آذربایجان دولتمردان این جمهوری را به صورت جدی و عملی به برخورد منطقی و منطبق با حسن همجواری وادار نماید که این موضوع قبل از هر چیزی می تواند برای خود مردم جمهوری آذربایجان نیز ارزشمند و منشا تاثیرات مثبت باشد .

سخن آخر :

آنچه به عنوان سخن آخر بایستی مورد تاکید قرار داد اینکه رژیم صهیونیستی علیرغم تلاشهای همه جانبه خود نخواهد توانست به سیاستهای نژاد پرستانه و غیر انسانی خود ادامه دهد و مقاومت مردم فلسطین مانند مقاومت حزب الله لبنان سبب خواهد گردید این سرزمین مقدس از لوٹ وجود صهیونیستها پاک گردد و همه مردم فلسطین اعم از مسلمان ، مسیحی و یهودی در کنار هم فصل نوینی از زندگی خود را آغاز خواهند نمود که البته در آن روز بیش از خود صهیونیستها دولتهایی متضرر خواهند شد که کاخ آمال خود را بر تکیه گاه لرزانی همچون تار عنکبوت بنا نهاده اند ؛ بدیهی است در این میان دولت جمهوری آذربایجان که با اندیشه کسب حمایت بین المللی در موضوع قره باغ، روابط نزدیکی را با رژیم صهیونیستی بنیان نهاده است همانگونه که تا به حال نتوانسته است به این خواسته خود برسد بعد از این نیز در نتیجه این اقدامات بیش از پیش حمایت معنوی بیش از یک میلیارد مسلمان را نیز بر باد رفته خواهد دید .